

واژه‌های «اقعاء»، «قُرْفُصَاء» و «احتیاء» از واژه‌های مرتبط با همین موضوعند. واژه‌شناسان و فقیهان معانی گوناگون برای اقعاء بیان کرده‌اند؛ از جمله نوعی احتیاء که دست‌ها به جای این که روی ساق‌های پا قرار گیرند، بر زمین تکیه می‌کنند.^۵ معنای دیگرش این است که شخص به گونه‌ای بنشیند که باسن‌هایش بر روی زمین قرار گیرد و به پشت تکیه زند.^۶ برخی نیز اقعاء را قرار دادن انگشتان پا بر زمین و نشیمنگاه بر پشت پاشنه پا می‌دانند.^۷ قرفصاء نیز نوعی از احتیاء است که به جای استفاده از پارچه، دست‌ها روی ساق‌ها قفل و تکیه گاه می‌شوند.^۸

◀ **احکام فقهی احتیاء:** در فقه اسلام، اصل احتیاء جایز و مباح است؛ اما در موارد خاص دارای احکامی است:

۱. **احتیاء شخص مُخْرَم و حاضر در مسجد الحرام:** به نظر فقیهان امامی، احتیاء شخص مُخْرَم و نیز کسی که در مسجد الحرام

۵. غریب الحدیث، ابن سلام، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ غریب الحدیث، حربی، ج ۱، ص ۶۰؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۴۲.
 ۶. الصحاح، ج ۶، ص ۲۴۶۵؛ نک: المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۲۶.
 ۷. بداية المجتهد، ج ۱، ص ۱۱۴؛ المجموع، ج ۳، ص ۴۲۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۳، ص ۲۰۲.
 ۸. غریب الحدیث، ابن سلام، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱؛ ج ۲، ص ۱۰۹؛ ج ۳، ص ۵۷؛ الصحاح، ج ۳، ص ۱۰۵۱؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۱۸.

احتیاء: نشستن با شیوه جمع کردن ران و زانوها به سوی شکم به وسیله دست‌ها، دستار یا لباس

واژه «احتیاء» از ریشه «ح - ب - و» و این ریشه به معنای نزدیک شدن و حرکت به حالت چهار دست‌وپا است.^۱ احتیاء به معنای جمع کردن پشت و ساق‌های پا به وسیله لباس است.^۲ در اصطلاح فقهی احتیاء نوعی نشستن است بدین گونه که فرد زانوهایش را به سمت شکم جمع کند و پیراهن یا پارچه‌ای پشت، شکم و پاهایش را در برگیرد. این کار در وضعی خاص حرام یا مکروه شمرده می‌شود.

پیشینه احتیاء به پیش از اسلام بازمی‌گردد. اعراب پیش از اسلام معمولاً به این صورت می‌نشسته‌اند. در حدیث‌هایی از پیامبر گرامی ﷺ احتیاء تکیه‌گاه عرب خوانده شده است.^۳ از آن‌جا که بسیاری از اعراب در بیابان‌ها یا خیمه‌ها می‌زیستند و دیوار و تکیه‌گاه نداشتند، برای رفع خستگی از این شیوه به عنوان تکیه‌گاه استفاده می‌کردند.^۴

۱. العین، ج ۳، ص ۳۰۸؛ الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۰۷؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۳۲، «حبو».
 ۲. الصحاح، ج ۲، ص ۱۳۲؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۳۲؛ النهایه، ج ۱، ص ۳۳۵، «حبو».
 ۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲؛ امثال الحدیث، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۰۷.
 ۴. المجازات النبویه، ص ۲۰۰؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۴۶؛ شرح اصول الکافی، ج ۱۱، ص ۱۴۲.

حضور دارد، مکروه است.^۱ مستند فقهی این حکم، حدیث‌هایی مانند روایت‌های حماد بن عثمان و عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام است که محرم و حاضر در مسجدالحرام را از این کار نهی کرده‌اند.^۲ حکمت این حکم، پاس داشتن حرمت و عظمت کعبه^۳، پرهیز از احتمال آشکار شدن عورت^۴ و خواب‌آلودگی و باطل شدن وضو^۵ یاد شده است. از سوی دیگر، در روایت زراره از امام باقر علیه السلام به احتباء ایشان کنار کعبه تصریح شده است.^۶ برخی از فقیهان به روش‌هایی میان این دو دسته حدیث سازگاری پدید آورده‌اند؛ از جمله:

أ. حمل روایت زراره بر بیان جواز احتباء و حرام نبودن آن.^۷ ب. مقید بودن حکم کراهت به حالتی که فرد در معرض کشف عورت باشد.^۸ ج. حمل حدیث‌های دلالت‌گر بر کراهت، بر محدوده مسجدالحرام در زمان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و حمل روایت جواز بر

محدوده توسعه یافته آن پس از عصر پیامبر.^۹

۲. احتباء در غیر حالت احرام و خارج از مسجدالحرام: به نظر فقیهان امامی، احتباء در غیر حالت احرام و نیز بیرون از مسجدالحرام کراهت ندارد و تنها در صورت پوشیده نبودن عورت، حرام به شمار می‌رود.^{۱۰} مستند فقهی این حکم، حدیث‌هایی از جمله روایت سماعه از امام صادق علیه السلام^{۱۱} و نیز روایت‌های گوناگون^{۱۲} در سیره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و همچنین سخن پیامبر صلی الله علیه و آله است که احتباء به طور مطلق یا در مسجد را دیوار و تکیه‌گاه عرب خوانده است^{۱۳}، بدون این که از آن نهی کرده باشد.

فقیهان اهل سنت احتباء در حال احرام یا در مسجدالحرام را مکروه به شمار نیاورده‌اند.^{۱۴} در پاره‌ای از منابع اهل سنت، از احتباء به گونه مطلق نهی شده است.^{۱۵} عموم فقیهان اهل سنت آن را تنها در صورت پوشیده نبودن عورت حرام شمرده و در دیگر حالت‌ها جایز

۱. الجامع للشرایع، ص ۲۳۰؛ الدرر، ج ۱، ص ۳۸۸، ۴۷۴؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۶۵.
 ۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۶، ۵۴۶؛ تهذیب، ج ۵، ص ۴۵۳.
 ۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۸؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۴۶.
 ۴. مدارک العروه، ج ۱۲، ص ۴۲۴.
 ۵. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۵۱، «حیو»؛ نیل الاوطار، ج ۳، ص ۳۰۹.
 ۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۳۹-۲۴۰.
 ۷. مرآة العقول، ج ۱۷، ص ۱۰۰.
 ۸. مدارک العروه، ج ۱۲، ص ۴۲۴.
 ۹. مرآة العقول، ج ۱۷، ص ۱۰۰.
 ۱۰. مدارک العروه، ج ۱۲، ص ۴۲۴.

۹. مرآة العقول، ج ۱۷، ص ۱۰۰-۱۰۱.
 ۱۰. المیسوط، طوسی، ج ۲، ص ۱۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱۱.
 ۱۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳.
 ۱۲. نک: مناقب، ج ۳، ص ۲۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۶؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۳؛ ج ۹۶، ص ۵۳.
 ۱۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲، ج ۲، ص ۳.
 ۱۴. نک: المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۶۱؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۱۶۲.
 ۱۵. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۳۰۹.

روایت^{۱۰} و توجیه متن آن^{۱۱} به حلّ تعارض آن با دیگر روایت‌ها^{۱۲} پرداخته‌اند. علت کراهت این احتیاء از دید مکروه‌شمارندگان این است که زمینه خواب و بطلان وضو را فراهم ساخته^{۱۳}، نیز مانع دقت در شنیدن خطبه نماز جمعه می‌شود.^{۱۴}

▼ ۳. احتیاء در نماز: در فقه اسلامی از احتیاء در نماز سخن نرفته است. اما از اقعاء در نماز سخن گفته‌اند. نظر مشهور فقیهان شیعه با استناد به روایت‌ها^{۱۵}، کراهت اقعاء در نماز است.^{۱۶} معنای اقعاء از دید آنان، قرار دادن انگشتان پا بر زمین و نشیمنگاه بر پشت پاشنه پاست.^{۱۷} فقیهان اهل سنت در معنای اقعاء اختلاف نظر دارند و همگی آن را در تشهد و پس از سجده نماز مکروه می‌شمرند.^{۱۸}

دانسته‌اند.^۱ مستند آن‌ها، حدیث‌های نبوی است که تنی چند از صحابه مانند جابر بن عبدالله انصاری و ابوسعید خدری گزارش کرده‌اند.^۲

تنها مورد کراهت احتیاء در فقه اهل سنت، احتیای شخص حاضر در نماز جمعه هنگام خطبه خوانی امام جمعه است. بر پایه مذاهب مالکی^۳، حنبلی^۴ و حنفی^۵ و نیز ظاهر سخن شافعی^۶ احتیاء در این حال نیز جایز است؛ اما شاگردان شافعی و فقیهان پیرو او آن را مکروه دانسته‌اند.^۷ مستند آنان، روایت نبوی است که نمازگزاران جمعه را از احتیاء هنگام خطبه نماز جمعه بازداشته است.^۸ فقیهان دیگر مذاهب اهل سنت، برای جواز احتیاء در نماز جمعه، به ادله‌ای مانند احتیای پیامبر گرامی ﷺ در نمازهای مستحب و قیاس آن با احتیاء در هنگام خطبه^۹، استناد نموده یا با مناقشه در سند

۱۰. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۳۰۸-۳۰۹.
 ۱۱. نک: نیل الاوطار، ج ۳، ص ۳۰۹.
 ۱۲. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۳۶؛ نیل الاوطار، ج ۳، ص ۳۰۸.
 ۱۳. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۳۰۹.
 ۱۴. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۴۶.
 ۱۵. الکافی، ج ۳، ص ۳۳۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۴؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۸.
 ۱۶. الخلاف، ج ۱، ص ۳۶۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۲۲۷؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۲۵۵.
 ۱۷. المعتبر، ج ۲، ص ۲۱۸؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۳، ص ۲۰۲.
 ۱۸. المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۲۶؛ المغنی، ج ۱، ص ۵۶۴؛ المجموع، ج ۳، ص ۴۲۶، ۴۳۹.

۱. فتح الباری، ج ۱۱، ص ۶۷؛ عمدة القاری، ج ۴، ص ۷۵؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۳۲۹.
 ۲. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ج ۷، ص ۴۱-۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۵۴.
 ۳. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۱۴۹؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۴۶.
 ۴. المغنی، ج ۲، ص ۱۷۱؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۳۲۹.
 ۵. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۳۶.
 ۶. الام، ج ۱، ص ۲۳۵؛ المجموع، ج ۴، ص ۵۹۲.
 ۷. روضة الطالبین، ج ۱، ص ۵۲۸؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۲۹۰؛ حواشی الشروانی، ج ۲، ص ۴۶۲.
 ۸. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۹۶-۹۷؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۳.
 ۹. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۳۶.

◀ منابع

الاستبصار: الطوسي (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش موسوی، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ش؛
 الام: الشافعي (م. ٢٠٤ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق؛ **امثال الحديث**: ابن خلاء الرامهرمزي (م. ٥٧٦ق.)، به كوشش احمد عبدالفتاح، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، ١٤٠٩ق؛ **بحار الانوار**: المجلسي (م. ١١٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق؛ **بداية المجتهد**: ابن رشد القرطبي (م. ٥٩٥ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **تحرير الاحكام الشرعية**: العلامة الحلي (م. ٧٢٦ق.)، به كوشش بهادري، قم، مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، ١٤٢٠ق؛ **تحفة الفقهاء**: علاء الدين السمرقندي (م. ٥٢٥-٩ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ **تذكرة الفقهاء**: العلامة الحلي (م. ٧٢٦ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ١٤١٤ق؛ **تهذيب الاحكام**: الطوسي (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش موسوی و آخوندي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ **الجامع للشرائع**: يحيى بن سعيد الحلبي (م. ٦٩٠ق.)، به كوشش گروهی از فضلا، قم، سيد الشهداء، ١٤٠٥ق؛ **الحدائق الناضرة**: يوسف البحراني (م. ١٨٦ق.)، به كوشش آخوندي، قم، نشر اسلامي، ١٣٦٣ش؛ **حواشی الشروانی و العبادی**: الشروانی (م. ١٣٠١ق.) و العبادی (م. ٩٩٤ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **الخلافة**: الطوسي (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش سيد علي خراساني و ديگران، قم، نشر اسلامي، ١٤١٨ق؛ **الدروس الشرعية**: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٢ق؛ **روضه الطالبين**: النووي (م. ٦٧٦ق.)، به كوشش عادل احمد و علي محمد، بيروت، دار الكتب العلمية؛ **السرائر**: ابن ادریس (م. ٥٩٨ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١١ق؛

سنن الترمذی: الترمذی (م. ٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ **شرح اصول كافي**: محمد صالح مازندراني (م. ١٠٨١ق.)، به كوشش سيد علي عاشور، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢١ق؛ **الصالح**: الجوهری (م. ٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ **صحيح البخاري**: البخاري (م. ٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **صحيح مسلم**: مسلم (م. ٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **علل الشرايع**: الصدوق (م. ٣٨١ق.)، به كوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحيدريه، ١٣٨٥ق؛ **عمدة القاري**: العيني (م. ٨٥٥ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **العين**: خليل (م. ١٧٥ق.)، به كوشش المخزومي و السامرائي، دار الهجرة، ١٤٠٩ق؛ **غريب الحديث**: ابن سلّام الهروي (م. ٢٢٤ق.)، به كوشش محمد عبدالمعيد خان، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٣٩٦ق؛ **غريب الحديث**: ابراهيم بن اسحاق الحربي (م. ٢٨٥ق.)، به كوشش سليمان بن ابراهيم، جده، دار المدينة، ١٤٠٥ق؛ **فتح الباري**: ابن حجر العسقلاني (م. ٨٥٢ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ **الكافي**: الكليني (م. ٣٢٩ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **كشاف القناع**: منصور البهوتي (م. ١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ **كنز العمال**: المتقي الهندي (م. ٩٧٥ق.)، به كوشش صفوة السقاء، بيروت، الرسالة، ١٤١٣ق؛ **المبسوط في فقه الاماميه**: الطوسي (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودي، تهران، المكتبة المرتضويه؛ **المبسوط**: السرخسي (م. ٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق؛ **المجازات النبويه**: الشريف الرضي (م. ٤٠٦ق.)، به كوشش طه محمد، قم، مكتبة بصيرتي؛ **مجمع البحرين**: الطريحي (م. ١٠٨٥ق.)، به

احجار الزيت: محلی در مدینه، جایگاه

رویدادهای گوناگون

احجار الزيت مکانی معروف در شهر مدینه، نزدیک محله زوراء^۱ و بازار مدینه^۲ بر دامنه کوه سلع^۳ و غرب مسجد نبوی^۴، برابر باب السلام^۵ بوده است. اردوگاه نظامی نیز در همین منطقه قرار داشت.^۶ در سبب نام گذاری این مکان دو سخن در دست است: در آنجا سنگ‌هایی بوده که ظرف‌های روغن بر آن می‌نهادند^۷؛ و نیز روایت شده که در این مکان، برای پیامبر از سنگی روغن تراوید.^۸ به رغم شهرت و اهمیت احجار الزيت در تاریخ مدینه، اطلاعات چندان از آن در دست نیست. احجار الزيت در عهد پیامبر ﷺ جایگاه برگزاری دعا و نماز باران بود^۹ و از همین رو آن را «موضع الاستسقاء» نیز گفته‌اند. (تصویر شماره ۱۳)

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۹؛ سبل الهدی، ج ۸، ص ۳۳۶، ۵۰۹.
۲. دلائل النبوه، ج ۴، ص ۲۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۳۱۵.
۳. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۸۹.
۴. المعالم الاثیره، ص ۲۰.
۵. سبل الهدی، ج ۸، ص ۳۳۶.
۶. البداية و النهایه، ج ۷، ص ۱۷۴؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۴۳۹.
۷. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۳۰۷.
۸. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۴۲۶؛ المعالم الاثیره، ص ۱۳۶.
۹. مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۳؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۹؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۵؛ ج ۵، ص ۲۴۵، ۴۴۲؛ الاصابه، ج ۴، ص ۶۰۷.

کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ المجموع شرح المهذب: النووی (م. ۷۶ق.)، دار الفکر؛ مدارک العروه: علی پناه اشتهازدی، تهران، دار الاسوه، ۱۴۱۷ق؛ المدونه الكبرى: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، مصر، مطبعة السعاده؛ مرآة العقول: المجلسی (م. ۱۱۱ق.)، به کوشش رسولی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ المعتبر: المحقق الحلی (م. ۷۶ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ معجم مقاییس اللغه: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ النهایه: ابن اثیر مبارک بن محمد الجزری (م. ۶۰۶ق.)، به کوشش محمود محمد و طاهر احمد، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ نیل الاوطار: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت ﷺ، ۱۴۱۲ق.

محمد قدیریان



احجاج ← نیابت

احجار البيت ← احجار الزيت